پژوهشنامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۲۸، بهار و تابستان ۱۴۰۰
صص ۲۹۵ـ۲۷۳ (مقاله پژوهشی)

No. 28, Spring & Saummer 2021

بازخوانی دیدگاه محسن کدیور درباره «حدود حجاب» با تأکید بر آیات حجاب

محمدعلی وطن دوست[۱]، حامد سجادی گوگدره[۲]، علی حسینی سی سخت[۳]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۸/۵ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۱۱/۲۵)

چکیده

مسأله «حدود حجاب» از جمله موضوعات مهمی است که طی چند سال اخیر پیرامون آن مباحث زیادی مطرح شده است که از جمله آن می‌توان به گسترهٔ شمولیتِ نصوص در این باره اشاره کرد. آقای محسن کدیور از جمله نواندیشانی است که در سلسله درس‌ها و جلسات حجاب به این مسأله پرداخته و در قالب یاداشتی با عنوان «تأملی در مسأله حجاب» دیدگاه‌های خود را منتشر نموده است. ایشان بر این باور است که هر چند نصوص روایات، حدود پوشش را بیان می‌کند، اما نمی‌توان از ظهور آیات حجاب، حدود پوشش زنان را به دست آورد و این آیات تنها جنبه تأکیدی بر حفظ عفت و پوشش زنان دارد؛ در این جستار با روش تحلیلی- انتقادی، دیدگاه ایشان مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. در پایان این نتیجه به دست آمده که آیات قرآن بر پوشش حداکثری زنان دلالت داشته و ادعای تأکیدی بودن آیات درباره حدود حجاب زنان نادرست می‌باشد.

کلید واژه‌ها: حدود حجاب، آیات حجاب، محسن کدیور

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد، ma.vatandoost@um.ac.ir
۲. دانش پژوه سطح سه رشته کلام اسلامی مدرسه علمیه عالی نواب (نویسنده مسئول)؛ hamed9394@yahoo.com
۳. دانش پژوه سطح چهار مدرسه علمیه عالی نواب، alihoseini313@gmail.com

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.11.7]

پیشینه تحقیق

درخصوص پیشینه موضوع مورد بحث نیز باید گفت، با بررسی‌هایی که نگارندگان انجام داده است، در رابطه با دیدگاه آقای کدیور در مسئله حجاب و نقد و بررسی آن، پژوهشی با این عنوان و به صورت مستقل در قالب مقاله، کتاب و پایان نامه صورت نگرفته است؛ در برخی از پژوهش‌ها مسئله حجاب به صورت کلی در قالب آیات و روایات بررسی شده و در برخی دیگر، استدلالات روشنفکران نوظهور به صورت اجمالی مورد ارزیابی قرار گرفته است. همچنین در برخی از پژوهش‌ها به معناشناسی حجاب با تکیه بر آراء واژه‌شناسان پرداخته شده است.[۱]

---

۱. در ذیل برخی از مهم‌ترین این پژوهش‌ها در دو قالب پایان‌نامه و کتاب ذکر می‌شود:

الف. پایان‌نامه‌ها

۱. الزام حکومتی حجاب از منظر قرآن و سنت؛ پایان نامه کارشناسی ارشد ۱۳۹۲، پدیدآور: عابدین قدیانی، استاد راهنما: ابراهیم شفیعی سروستانی، دانشگاه علوم و حدیث.

در این پایان‌نامه مشهورترین دلایل قرآنی و روایی با رویکردی فقه‌الحدیثی مورد کنکاش قرار گرفته است. نگارنده براین عقیده است که حاکم اسلامی بر مبنای دلایل اختیارات ولی فقیه و نیز امر به معروف و نهی از منکر، مجاز است که نسبت به اجبار و الزام آن در اماکن عمومی اقدام و متخلفان را مجازات نماید.

۲. بررسی حدّ پوشش شرعی مستند از آیات قرآن با تأکید بر شبهات جدید، پایان نامه کارشناسی ارشد ۱۳۹۶، پدیدآور: قاسم صادق پور، استاد راهنما: عبدالرضا زاهدی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده تفسیر و معارف قرآن قم

این پایان‌نامه در پاسخ به کتاب «پوشش زنان در عصر پیامبر» نوشته امیرحسین ترکاشوند است و نگارنده ضمن بررسی نظریات آن با استفاده از آیات و روایات مسئله حجاب، برداشت‌های نادرست از آیات حجاب را نقد کرده و برداشت مشهور «پوشش تمام بدن زن در برابر نامحرم غیر از وجه و کفین» را ثابت دانسته است.

۳. چگونگی حجاب در عصر نزول قرآن، تحلیل و نقد دیدگاه‌ها، دکتری تحصصی ۱۳۹۵ پدیدآور: محمدرضاشاه سنایی استاد راهنما: سیدمحمدکاظم طباطبایی، دانشگاه قرآن و حدیث، دانشکده علوم حدیث قم.

این رساله بامراجعه به منابع دست اول و معتبر تاریخی، ادبی، تفسیری، روایی و... . به این نتیجه رسیده است که زنان صدر اسلام برای پوشش قسمت‌های مختلف بدن (حتی پوشش موی سر خود) از البسه متنوع دوخته و نادوخته استفاده می‌نمودند.

۴. تحلیل پدیدارشناسانه تحول نگرش مفسران به آیات حجاب در دوره ی جدید، دکتری تخصصی ۱۳۹۷، پدیدآور: مریم قیدر، استاد راهنما: مهرداد عباسی، دانشگاه مذاهب اسلامی، دانشکده علوم قرآن و حدیث

این رساله ضمن نشان دادن سیر تطور آرای تفسیری ذیل آیات مرتبط با حجاب، به بررسی تحول آرای مفسران جدید پرداخته و به این نتیجه رسیده که آراء مفسران به تدریج دچار تحولات عقل گرایانه شده است.

۵. بررسی و نقد دیدگاه‌های نواندیشان دینی درباره‌ی آیات حجاب،کارشناسی ارشد ۱۳۹۰، پدیدآور: سیده‌مهناز←

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.11.7]

۱- طرح مساله

بی‌تردید یکی از مهم‌ترین مفاهیم دینی که دین مبین اسلام تاکید فراوانی بـر آن داشـته مسئله حجاب و پوشش زنان است که در طول اعصار گذشته مطالب فراوانی در اهمیت آن بیان شده است اما آنچه بیش از همه محل اختلاف آراء گشته تعیین حدود شرعی پوشـش زنان بوده است. اختلاف دیدگاه‌ها در این زمینه تا اندازه‌ای است که برخـی حـدود تعیـین شده به وسیله فقها را برخلاف مفاد آیات و روایات دانسته‌اند. از جملـه ایـن افـراد آقـای محسن کدیور از دگراندیشان معاصر است که طی یادداشـتی در سـایت شخصـی خـود[1] از

→ مهدی‌زاده، استاد راهنما: علی‌احمد ناصح.

این نوشتار به چند شبهه در مسئله حجاب از جمله پوشش کنیزان و زنان سالخورده، منحصر بودن آیـات حجـاب در زنان عصر نزول و آیات پوشش زنان پیامبر پاسخ‌های عقلی داده است.

و از میان مقالات نگاشته شده می‌توان به پژوهش‌های ذیل اشاره نمود:

۱. دلالت آیه ۳۱ سوره نور بر حجاب؛ نقدی بر نظرات آقـای کـدیور دربـاره حـدود حجـاب شـرعی زنـان، ۱۳۹۲ پدیدآور: حسین سوزنچی (http://www.souzanchi.ir/hejab-in-sureh-noor-critic-of-kadivars-opinion)؛ مقاله مذکور که در قالب یک یادداشت در سایت شخصی ایشان آمده است ضـمن نقـد دیـدگاه آقـای کـدیور درمسـئله حجاب با محوریت آیه ۳۱ سوره نور و با استفاده از منابع لغوی و روایی نتیجه می‌گیرد که آیه مـذکور دلالتـی بـر مدعای آقای کدیور ندارد.

مقاله حاضر در مقایسه با مقاله مذکور، علاوه بر نوآوری و بیان استدلالات جدید به بررسی دیدگاه آقـای کـدیور در آیه ۵۹ سوره احزاب نیز پرداخته است و از این جهت گستره محتوایی بیشتری را شامل می‌شـود؛ از جملـه نکـات دیگر این مقاله می‌توان به بررسی تفصیلی دیدگاه اهل لغت و تبیین و تصحیح آنها اشاره کرد.

۲. سیری دوباره در آیات حجاب نویسنده : میرزا وزیری، هما؛ مجلـه: پژوهشـهای قرآنـی» پـاییز و زمسـتان ۱۳۸۰ شماره ۲۷ و ۲۸ ISC (۱۶ صفحه – از ۱۶۰ تا ۱۷۵)

این مقاله به بررسی برخی از مسائل مرتبط با زنان از جمله محدوده حجاب، خروج از خانه و... پرداخته و ضمن بیـان پرسشهایی در این زمینه، خواستار بازنگری در مبانی فقهی، کلامی شده است .

۳. چیستی حجاب اسلامی، معناشناسی حجاب از منظر آیات حجاب، نویسنده: شفیعی مازندرانی، سید محمد؛ مجلـه: پژوهش‌های فقهی، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، دوره هفتم – شماره ۲ ISC (۲۴ صفحه – از ۴۹ تا ۷۲)

این مقاله ضمن بررسی لغوی و اصطلاحی حجاب، مسئله حجـاب را مسـئله ای دیـرین و در جهـت رعایـت عفـت و سعادت انسانی دانسته است .

در هیچ یک از پژوهشهای یادشده مسئله حجاب از دیدگاه آقای کدیور به تفصیل تبیین نگردیده اسـت؛ از ایـن رو در این جستار تلاش شده تا دیدگاه ایشان به صورت تفصیلی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. از جملـه ویژگـی‌هـای این مقاله می توان به موضوع ابتکاری و مورد ابتلاء آن اشاره کرد، چرا که تاکنون مقاله ای با این عنوان و گستردگی نگاشته نشده است، در حالی که این مسأله از جمله مباحث مهم مطروحه در چند سال اخیر بوده است.

1. https://mkadivar.wpengine.com/?p=9411.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.11.7]

مسأله حجاب اختیاری حمایت کرده و مقوله حجاب را امری عرفی و وابسته به شرایط فرهنگی هر جامعه‌ای می‌داند که حدود آن از آیات قرآن قابل برداشت نیست؛ بی شک عدم پاسخگویی مناسب به این نظریات می‌تواند سبب بروز شبهات فکری و عقیدتی و زیر سوال رفتن فتاوای فقهی می‌گردد. جستار حاضر با محوریت آیات ۳۱ نور و ۵۹ احزاب که بیش از سایر آیات محل نزاع بوده است در صدد پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

۱. آیا دیدگاه کدیور در خصوص نگاه حداقلی و تاکیدی قرآن به مقوله حجاب صحیح است؟

۲. میزان دلالت آیات قرآن بر محدود پوشش زنان چه میزان است؟

۳. فهم زنان صدر اسلام از تعابیر به کار رفته در آیات قرآن تا چه اندازه بوده است؟

با پاسخ به پرسش‌های یاد شده می‌توان به اهداف زیر دست یافت:

۱. با میزان دلالت آیات قرآن در مسئله حجاب آشنا گشته و می‌توان در استدلالات فقهی و کلامی از آنها بهره جست.

۲. با سیره عملی و فهم اعراب صدر اسلام از مفهوم حجاب آشنا خواهیم شد.

۳. با نظریات جدید و استدلالات دگر اندیشان در این خصوص آشنا می‌شویم.

۲- تبیین دیدگاه آقای کدیور

در قرآن، بیش از ۱۵ آیه درباره مسائل مختلف پوشش زنان و مردان سخن به میان آمده است (کدیور، https://mkadivar.wpengine.com/?p=9411)، اما دو آیه به عنوان آیات اساسی در قرآن درباره حدود پوشش وجود دارد:

۲-۱. آیه ۵۹ سوره احزاب

«یا أَیُّهَا النَّبِیُّ قُلْ لِأَزْواجِکَ وَ بَناتِکَ وَ نِساءِ الْمُؤْمِنِینَ یُدْنِینَ عَلَیْهِنَّ مِنْ جَلَابِیبِهِنَّ ذلِکَ أَدْنی أَنْ یُعْرَفْنَ فَلا یُؤْذَیْنَ وَ کانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِیماً».[۱]

---

۱. ای پیامبر به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که جلباب‌های خود را نزدیک کنند. این مناسب‌تر است تا شناخته شوند و مورد آزار قرار نگردند و خدا آمرزنده و مهربان است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.11.7]

مورد استشهاد در آیه، عبارت «يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ» است. آقای کدیور معتقد است جلباب در لغت به سه معنای ملحفه، پیراهن و مقنعه است و ازآنجا که معنای آن در آیه را نمی‌دانیم لذا لفظ جلباب در آیه مبهم است و باید به قدر متیقن از معانی که لزوم پوشش است، تمسک کرد. به تعبیر دیگر، آیه اصلاً در مقام بیان حدود پوشش نیست، بلکه مطلق پوشش را برای زنان بیان می‌کند. در خصوص نزدیک کردن جلباب نیز دو معنا را می‌توان تصور نمود: اول، نزدیک کردن، و دوم، پایین انداختن؛ و با توجه به توصیفی که از معنای جلباب شد، مراد آیه این است که همان پوششی که استفاده می‌کنید را به هم نزدیک کنید تا اندامتان کم‌تر مورد توجه قرار گیرد. مؤید این برداشت از آیه، شواهد تاریخی از نوع پوشش زنان در عصر جاهلیت و صدر اسلام بوده است که لباس‌های آنان دارای شکاف از دو طرف بوده و از آنجایی که زنان جاهلی نسبت به شکاف لباس‌ها توجه نداشتند، آیه صرفاً زنان را به رعایت این نکته تذکر می‌دهد.

اما در ذیل آیه خداوند متعال علت پوشش را شناخته شدن زنان می‌داند که درباره متعلق شناخته شدن دو تفسیر وجود دارد:

۱. شناخته شدن زنان مومنه از زنانی که مومن نیستند؛ چرا که بعد از نزول این آیه زنانی که به حکم آن تمسک کرده و بدن خودرا از نامحرم بپوشانند مومن به آیه خواهند بود وزنانی که به آیه عمل نکنند مومن نیستند پس آیه ملاک تشخیص ایمان از کفر است (مکارم شیرازی، ۴۲۸/۱۷)

۲. شناخته شدن کنیزان از زنان آزاد و غیر کنیز (طبرسی، ۵۸۰/۸)؛ در میان اعراب رسم بر این بوده که کنیزان برخی از احکامِ زنان آزاد مثل حق ارث، محرمیت از طریق صیغه عقد و... را نداشتند.

بعد از ظهور اسلام برخی از این احکام به تدریج تغییر کرد مثلا مالک حق نداشت کنیز خودرا در حالی که در ملکیت اوست به دیگری تزویج کند بلکه در صورت چنین کاری دیگر بر مالک قبلی اش حلال نبود تا اینکه از شوهر لاحق خود طلاق بگیرد و عده طلاق

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.11.7]

را سپری کند آنگاه بر مالک قبلی اش حلال می‌شود و فرزندان حاصل از کنیز هم آزاد خواهند بود و از پدر خود ارث می‌برند (نجفی، ۲۸۴/۳۰-۲۹۲) در کنار این احکام حکم پوشش برای زنان بین کنیز و آزاده تفاوت داشت و از آنجا که معمولا کنیزان از وضعیت ظاهری مناسبی برخوردار نبودند و غالب آنها از اسراء بلاد دیگر به ممالک اسلامی آمده بودند از این رو در نوع پوشش کنیزان همیشه تفاوت وجود داشت و آیه علت حکم را تشخیص زنان آزاده از کنیز دانسته تا مبادا اعراب به زنان آزاده که پوشش مناسبی را رعایت نمی‌کردند تعرض کنند.

نتایجی که از آیه گرفته می‌شود، عبارتند از:

۱. آیه نفیاً و اثباتاً پوشش موی سر را بحث نمی‌کند.

۲. حدود پوشش از آیه برداشت نمی‌شود، چون معنای جلباب مبهم است.

۳. قدر متیقن از آیه، کلیّت پوشش را برای زنان واجب می‌داند که امری عقلائی است.

۴. اینکه فقها و بعضی از مفسران وجوب پوشش موی سر را از آیه برداشت کرده‌اند، نیازمند قرینه است.

۵. ترجمه جلباب به چادر در عصر ما نیازمند دلیل است و با شأن نزول و شرایط نزول مغایرت دارد.

۶. اگر علت نزدیک کردن جلباب را تمییز کنیزان از زنان آزاده بدانیم، مستلزم تضییع حقوق کنیزان در برابر بیماردلان است که با رحمت حق تعالی در تعارض است.

بررسی برداشت آقای کدیور از آیه ۵۹ سوره احزاب

در ابتدا معنای لغوی آیات را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

تبیین معنای «جلباب»

واژه‌شناسان درباره جلباب چند معنا ذکر کرده‌اند، از جمله فیومی در مصباح‌المنیر که آن را لباس بزرگی می‌داند که به اندازه خمار نیست (فیومی، ۱۰۴/۱) و ابن منظور در لسان‌العرب دو

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.11.7]

معنا برای آن ذکر کرده است: اول قمیص و دوم لباسی که سر و سینه را با آن می‌پوشانند (ابن‌منظور، ۲۷۲/۱) خلیل فراهیدی آن را جامه‌ای می‌داند که زنان سر و سینه خود را بدان می‌پوشانند. (فراهیدی، ۱۳۲/۶) جوهری در صحاح از آن به ملحفه تعبیر می‌کند (جوهری، ۱۰۱/۱) و طریحی در مجمع‌البحرین آن را لباسی می‌داند از خمار بزرگ‌تر و از رداء کوچک‌تر که زنان روی سرشان انداخته و باقی را بر روی سینه می‌اندازند (طریحی، ۲۳/۲)؛

با توجه به معنای لغوی جلباب نکات قابل تأملی در دیدگاه کدیور وجود دارد که از قرار زیر است:

۱. اینکه وی معانی جلباب را در سه معنا خلاصه کرده است، صحیح نیست، بلکه جلباب در کتب لغت به معنای پیراهن، لباس بزرگ، روپوش، چادر، لباسی که تمام بدن با آن پوشیده می‌شود به کار رفته است. برخی هم مثل جوهری از ملحفه تعبیر کرده‌اند که مشخص است این تعبیر کنایه از پوشش تمام بدن است.

۲. اولا اینکه مدعی است آیه نفیاً و اثباتاً پوشش سر و سینه را بحث نمی‌کند از جهتی با سخن بیشتر واژه‌شناسان مخالف است، چرا که آنان جلباب را پوشاننده سر و سینه هم دانسته اند ثانیاً برای آن که بدانیم جلباب چه حدودی را در بر می‌گیرد، باید به فهم عرف اعراب صدر اسلام از جلباب مراجعه کنیم، چرا که بهترین مرجع برای تشخیص معنای هر لغتی رجوع به عرف است، اگر شارع با آن مخالفتی نکرده باشد، مثلاً در روایتی از ام سلمه نقل شده است که: «لما نزلت هذه الآیه: «يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ» خرج نساء الانصار کان علی روسهن الغربان من اکسیة سود یلبسنها»[1] (سیوطی، ۲۲۱/۵) و این نشان می‌دهد که عرف عرب با وجود اینکه در آیه اسمی از لباس سیاه نیامده و قرینه‌ای بر پوشش سر نیز وجود نداشته اما آنها پوشش سر را برداشت کرده‌اند.

۳. اینکه گفته است حدود پوشش از آیه برداشت نمی‌شود چون معنای جلباب مبهم

---

۱. وقتی که این آیه نازل شد زنان انصار از خانه‌ها خارج شدند، به گونه‌ای که گویا کلاغ‌های سیاه بر سرشان نشسته است، به خاطر لباس‌های سیاهی که پوشیده بودند.»

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.11.7]

است، محل تأمل است، چرا که بنابر آنچه ذکر شد معنای جلباب با توجه به فهم عرف، پوشش حداکثری است. شاهد بر این مدعا، روایاتی است که در آن‌ها از لفظ جلباب استفاده شده است، مثل روایت عقبة بن خالد که می‌گوید در محضر امام صادق(ع) بودیم «فخرج علینا من عند نسائه و لیس علیه جلباب[1]» (عیاشی، ۲۰۷/۲) که لفظ جلباب را درباره امام به کار برده است و شاهد مثال همان عبا یا رداء امام است که از آن در روایت به جلباب تعبیر شده است که قطعاً آن را از روی لباس‌های دیگر می‌پوشند یا در روایتی امیرمومنان به اصحاب خود در صفین می‌فرماید: «استشعرو الخشیة و تجلببوا السکینة»[2] (سیدرضی، ۱۱۴)، از آنجایی که شعار به لباس زیرین گویند (فراهیدی، ۲۵۰/۱)، به قرینه مقابله دریافت می‌شود مراد از جلباب در روایت لباسی است که از روی لباس‌های دیگر پوشیده می‌شود؛ پس نشان می‌دهد جلباب همان پوشش حداکثری است، نه پوشش حداقلی که کدیور آن را برداشت کرده است.

افزون بر آنکه برخی از واژه‌شناسان کلمه جلباب را در اصل حبشی دانسته‌اند که در میان اقوام حبشی از آن به روپوش یا پوششی که سراسر بدن را می‌پوشاند تعبیر می‌کنند (جفری، ۱۶۹) و بعضی از محققین بهترین معنا برای جلباب را همان روپوشی که از روی لباس‌ها می‌پوشند، دانسته‌اند و تفسیر آن به مقنعه یا پیراهن تسامحی و کنایی است و تعبیر به رداء در کتب لغت یا ادناء که در آیه آمده است، همین معنا را می‌رساند؛ یعنی دو طرف روپوش را به هم نزدیک کنید. (شهیدی، ۷۸).

۴. اینکه فقها و بعضی مفسران وجوب پوشش موی سر را از آیه برداشت کرده‌اند:

در میان فقها و مفسران، علامه طباطبایی در المیزان (طباطبایی، ۳۶۱/۱۶)، فیض کاشانی در صافی (کاشانی، ۲۰۳/۴) و قرطبی در الجامع لاحکام القرآن (۱۵۶/۱۴) معتقدند جلباب پوششی است که تمام بدن زن را در بر می‌گیرد، پس قطعاً سر و سینه هم به وسیله

---

۱. امام از نزد زنانشان خارج شدند در حالی که جلباب به تن نداشتند.

۲. لباس زیرین خودرا ترس از خدا و لباس رویین خود را آرامش الهی قرار ده.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.11.7]

آن پوشانده می‌شوند و شیخ طوسی در تبیان آن را به چادر تعبیر کرده است (طوسی، ۳۶۱/۸) طبرسی در مجمع‌البیان هم مراد از نزدیک کردن جلباب را کنایه از پوشاندن سر و سینه می‌داند (طبرسی، ۵۸). برخی از مفسران دیگر، از آیه حکم به الزام حجاب برداشت کرده‌اند (سبزواری، ۵، ۲۳۰–۲۳۱، سیفی مازندرانی، ۳۰/۶)، ولی برخی دیگر الزامی از آیه برداشت نکرده‌اند، بلکه مراد آیه را حفظ شخصیت زن و جلوگیری از آزار و اذیت ناپاکان دانسته‌اند (جوادی آملی، ۵۱–۵۲)، لذا اولاً در میان مفسران و فقها درباره حدود و لزوم پوشش از آیه اختلاف است، ثانیاً دلایل فقها در حدود پوشش منحصر در این آیه نیست و بسیاری از فقها یا به این آیه استناد نکردند و یا از آن به عنوان جزءالعلهٔ بهره گرفته‌اند و ثالثاً با توجه به تقریری که از آیه ذکر شد می‌توان از این آیه حدود پوشش را به دست آورد.

۵. و اما اینکه برخی جلباب را به چادر معنا کرده‌اند، شواهد روایی دارد، افزون بر اینکه بعضی از واژه‌شناسان هم به آن اشاره کرده‌اند (دزی رینهارت، ۱۱۷).

۶. اما درباره علت ذکر شده در ذیل آیه، اکثر مفسران مراد آیه را جداسازی کنیزان از زنان آزاد شمرده‌اند (زمخشری، ۲۷۴/۳) و البته برخی مراد آیه را تمایز عفیفان از غیرعفیفان دانستند (طبری، همان، ابوالفتوح رازی، همان، ثعلبی ۶۴/۸، طوسی، ۳۶۱/۸). از جمله دلایل گروه اول می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

– داستان کنیزی است که از کنار خلیفه دوم عبور کرد، در حالی که سرش را پوشانده بود. خلیفه شلاقش را بلند کرد و گفت: «ای پست، آیا خودت را شبیه زنان آزاد می‌کنی؟ روسری‌ات را دربیاور.» (ثعلبی، ۶۴/۸؛ سیوطی: ۶۷۲/۶، آلوسی، ۸۸/۲۲).

– کنیزان از آنجایی که بیشتر با مردم ارتباط داشتند، لذا حکم پوشش با توجه به سختی فعالیت خارج از خانه در آن زمان موجب عسر و حرج بر آنان بود، لذا شارع حکم پوشش را از آنان برداشته است (طنطاوی، ۲۴۶/۱۱).

– آلوسی از احمد بن عیسی نقل می‌کند که تمایز در نوع پوشش نشان دهنده مرتبه فرهنگی و اصالت خانوادگی شخص بود، از این رو، لازم بوده است که کنیزان از پوشش

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.11.7]

زنان آزاد استفاده نکنند (آلوسی، ۸۸/۲۲-۸۹) برخی مانند فخر رازی هر دو قول را پذیرفته‌اند (فخررازی، ۲۳۱/۲۵).

اما از جمله دلایل گروه دوم می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- عبارت «نساء المومنین» عام است و شامل کنیزان هم می‌شود.

- دلربایی کنیزان از زنان آزاد بیشتر بود، چرا که آنان با مردم بیشتر سر وکار داشتند (ابوحیان اندلسی، ۲۵۰/۷)

- برخورد نژادپرستانه و ظالمانه طبق تفسیر اول است، چرا که در این صورت، کنیزان آماج انواع تهمت‌ها و اذیت‌ها قرار می‌گیرند و این با روح آیات قرآن سازگار نیست (صادقی تهرانی، ۲۱-۲۰۷/۲۲-۲۰۸).

در نتیجه، حکم به تمایز کنیزان از زنان آزاده مورد اتفاق مفسران نیست، ولی نکته مهم آن است که با هر نوع تفسیری که از آیه داشته باشیم، خللی به مدعای ما وارد نمی‌شود، لذا می‌توان این حکم را مختص زنان آزاده دانست و علت عدم جعل حکم برای کنیزان را مشقت پوشش برای آنان برشمرد یا حکم پوشش را مشترک بین آنان دانسته و علت را تمایز بین مومنین و فاسقین دانست.

از ماحصل آنچه ذکر شد می‌توان چند نتیجه گرفت:

۱. این آیه در برگیرنده حدود پوشش برای زنان به نحو اجمالی است، نه تفصیلی.

۲.برداشت صحیح در خصوص حدود پوشش مستلزم بررسی مجموعه آیات حجاب است.

۳. علت ادناء جلباب را هر چه بدانیم، خللی به مدعای ما وارد نمی‌سازد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.11.7]

۲-۲. آیه ۳۱ سوره نور

«وَقُل لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ»[1]

طبق مفاد آیه دو حکم مشترک میان مردان و زنان و دو حکم مختص زنان وجود دارد، اما احکام مشترک عبارتند از: بهداشت چشم و پرهیز از نگاه آلوده، و محافظت از شرمگاه و پرهیز از عمل منافی عفت؛ و اما احکام مختص زنان عبارتند از: عدم ابداء زینت مگر برای محارم، و پوشاندن گریبان و سینه با خمار؛ آنچه درباره حکم پوشش مورد نظر است مربوط به احکام مختص زنان است که به تفصیل بیان می‌شود:

۲-۲-۱. وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ

اولین بحثی که مطرح می‌شود این است که مراد از زینت چیست؟ حکم به عدم ابداء در خصوص زینت‌های طبیعی است یا زینت‌های الحاقی هم مراد آیه است؟ آیا شامل زینت‌های ظاهری هم می‌شود یا فقط زینت‌های باطن را شامل می‌شود؟

کدیور مدعی است زینت مختص زینت‌های طبیعی است و زینت‌های الحاقی در قرآن با لفظ تبرج استعمال می‌شوند https://mkadivar.wpengine.com/?p=9411 ؛ اما درباره سؤال دوم، ایشان مدعی است زینت‌های ظاهری ابداء آن‌ها بلااشکال است و درباره زینت‌های پنهان حکم به ابداء فقط برای بعضی از محارم که در آیه ذکر شده جایز است و باید از نامحرم پوشانده شوند. وی این حکم را مستفاد از ظهور استثناء آیه می‌داند، چرا که «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» با توجه به عصر نزول آیه شامل گردن و موی سر، از آرنج تا نوک انگشتان و از زانو به پایین است و طبق آیه پوشاندن این قسمت‌ها بر زنان واجب نبود و لذا پوشش در سایر قسمت‌های باقیمانده امری عقلایی است و از آنجایی که اعراب حجاز نسبت به

---

۱. و به زنان مؤمن بگو که چشمان خویش فروگیرند و شرمگاه خود نگه دارند و زینت‌های خود را جز آن مقدار که پیداست آشکار نسازند و پوشش‌های خود را بر سینه خود قرار دهند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.11.7]

پوشش باقی قسمت‌ها توجه چندانی نداشتند، لذا آیه در مقام تأکید برپوشش این قسمت‌هاست. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که میزان دلالت این آیه از آیه سابق در نحوه پوشش کمتر است، چرا که آیه سابق تأکید بر پوشش هر چه بیشتر داشت، در حالی که این آیه در مقام نهی از برهنگی است، چون زنان در صدر اسلام نسبت به پوشش عورات خود که زینت‌های پنهانی محسوب می‌شوند، بی‌مبالات بودند و چه بسا به حد برهنگی نزدیک بوده‌اند، لذا این آیه آنان را از برهنگی مقابل نامحرمان باز می‌دارد. (همانجا)

۲-۲-۲. در فقره «**وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ**» نویسنده مدعی است خمار در لغهٔ عرب به سه معنا روسری، رداء (برای پوشاندن نیم‌تنه بالا)، و لنگ (برای پوشاندن نیم‌تنه پایین) و از آنجایی که نمی‌توان معنای مشخصی از آن برداشت کرد، لذا به قدر متیقن از سه معنا که همان پوشش باشد، تمسک می‌جوییم و اینکه برخی از خمار، مقنعه یا روسری برداشت کرده‌اند، نیازمند قرینه در کلام است.

۲-۲-۳. جیوب جمع جیب به معنای شکاف است. با توجه به ظاهر آیه مراد از شکاف می‌تواند یکی از سه معنای ذیل باشد:

۱. شکاف حاصل از جدایی طرفین لباس که در صدر اسلام متعارف بوده که لباس‌های زنان از سمت چپ و راست دارای شکاف‌هایی بوده است که اندام‌های زنان ظاهر می‌شده است، لذا آیه در مقام تأکید بر پوشاندن آن‌هاست.

۲. سینه زنان.

۳. اشاره به شرمگاه.

وی مدعی است از آنجایی که معنای اول تأکیدی بر فقره لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ است، چرا که در آنجا هم حکم بر پوشش اندام‌های پنهانی بود، پس اگر جیوب را به معنای اول حمل کنیم، مستفاد از نکته جدیدی نیست، بلکه صرفاً تأکیدی بر کلام سابق است و اگر به معنای سوم حمل کنیم، تکرار وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ است که از احکام مشترک زنان و مردان بود. پس بهتر آن است که مراد از جیب را شکاف سینه زنان بدانیم که آیه تأکید بر پوشش آن دارد؛

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.11.7]

آنچه از این فقره از آیه نتیجه گرفته می‌شود آن است که اولاً آیه به هیچ وجه پوشش موی سر را بیان نمی‌کند، ثانیاً بخش سینه زنان به دلیل رواج برهنگی مورد تأکید قرار گرفته تا پوشانده شود، و ثالثاً این آیه هم مانند آیه سابق حدود پوشش را بیان نمی‌کند.

وی برای اثبات مدعای خویش به بررسی زمان و شرایط عصر نزول پرداخته و چند نکته را ذکر می‌کند:

اول، اعراب آن زمان غالباً از نظر اقتصادی فقیر بودند؛

دوم، رسم آن‌ها بر پوشیدن لباس‌های یکپارچه بوده و از زیر آن لباس نمی‌پوشیدند؛

سوم، از نظر اخلاقی منحط بودند؛

چهارم، عریانی در میان اعراب امری مرسوم بوده، به طوری که در اطراف کعبه در دوران جاهلی عمداً عریان می‌شدند تا با لباس‌های گناه نزد خدایان حاضر نشوند؛

پنجم، خانه‌ها به شکلی بود که غالباً افراد در آن دیده می‌شدند و فاقد در و اتاق بودند؛

ششم، به دلیل کمبود منابع مالی، خانه‌ها حمام نداشت، بلکه حمام‌ها عمومی بود.

با توجه به نکات یادشده، به نظر می‌رسد اعراب صدر اسلام که هنوز از خوی جهالت خود دور نشده بودند و عادات سابق در زندگی آنان جریان داشت، وقتی به اولی‌ترین آداب پوشش که همان پوشش عورات باشد توجه نمی‌کردند، قطعاً از پوشش موی سر غافل بودند و در این زمان آنچه عقلانی به نظر می‌رسد این است که آیات حول محور حجاب اولیات پوشش را متذکر شوند، نه اینکه تنها به پوشش موی سر دستور داده باشند. از همین‌رو در باور آقای کدیور، استدلال فقهاء به این آیات برای اثبات حجاب حداکثری، خلاف ظاهر آیات و عصر نزول است. (تفصیل دیدگاه، نک: همانجا)

۳- بررسی دیدگاه آقای کدیور در مورد آیه حجاب در سوره نور

۳-۱. تبیین معنای «خمار»

درباره لفظ خمار چندین معنا در کتب لغت ذکر شده است. برخی مثل زبیدی در

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.11.7]

تاج‌العروس (زبیدی، ۳۶۶/۶) و طریحی در مجمع‌البحرین (طریحی، ۳۶۶/۶) و فیومی در مصباح (فیومی، ۱۸۰/۱) آن را به معنای مقنعه دانسته‌اند که زنان به وسیله آن سر و گردن و سینه خود را می‌پوشانند و برخی دیگر مثل خلیل بن احمد در العین (فراهیدی، ۲۶۲/۴) و ابن فارس در معجم (ابن فارس، ۲۱۵/۲) آن را به معنای پرده کشیدن می‌دانند. بر این اساس این ادعا که واژه «خمار» در معنای رداء و لنگ به کار رفته است، محل تأمل است و معلوم نیست ایشان از کدام منبع چنین معنایی را برداشت کرده است. البته در برخی کتب لغت مثل صحاح (جوهری، ۶۴۹/۲) و تاج‌العروس خمار را به معنای پوشش هر چیزی استعمال کرده‌اند، اما آنچه مهم است کاربرد این لفظ در پوشش زنان می‌باشد، چرا که آیه در مقام بیان حدود پوشش زنان است و قطعاً رداء و لنگ و پوشش‌های دیگر درباره زنان کاربردی ندارد، افزون بر اینکه این معنا (مقنعه) با اشعار شعراء عرب جاهلی هم تناسب دارد، از جمله شعر امرؤ القیس که در وصف باران چنین می‌گوید: «و تری الشجراء فی ریقها کروءس قطعت فیها خمر» (محمد ابوالفضل، ابراهیم، ۱۲۱)

شاعر در این بیت، سرهای درختان از آب بیرون آمده را به سرهای بریده که بر آن خمار است، تشبیه کرده است. از این تعبیر برمی‌آید که خمار نسبت به سر و پوشش آن استعمال می‌شده است. افزون بر اینکه در روایات و نقل‌های تاریخی نیز همین مطلب استفاده می‌شود. به عنوان نمونه، در وسائل الشیعه روایتی آمده است که در آن، سائل از امام در خصوص مسح سر از روی پارچه می‌پرسد: «هل یصلح لها ان تمسح علی الخمار؟» امام در پاسخ می‌فرماید: «لا یصلح حتی تمسح علی راسها» (حرعاملی، ۴۵۶/۱) روشن است که در این روایت، لفظ خمار در معنای پوشش سر به کار رفته است. همچنین در جریان غصب فدک، این تعبیر آمده است: «لانت خمارها علی راسها» (ابن طیفور، ۲۳) که خمار در معنای پوشش سر به کار رفته است.

موارد دیگری نیز وجود دارد که در آن‌ها خمار برای پوشش صورت استعمال شده

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.11.7]

است. مثلاً زهری از قول عایشه نقل می‌کند کـه گفتـه اسـت: «خمـرت وجهـی بجلبـابی[۱]» (بخاری، ۱۴۹/۵) که پوشش با خمار را برای صورت به کار برده است.

براساس شواهد یادشده، می‌توان چنین نتیجه گرفت که سخن زبیـدی در تـاج‌العـروس کـه خمار را به معنای مطلق پوشش تعبیر کرد به معنای آن نزدیک‌تر است، چرا که خمـار در اصـل به معنای پوشش است و محدوده پوشش با قرائن در کلام فهمیده می‌شود، مثلاً در روایـت بـالا مشخص است که مراد از خمر پوشاندن سر است، چون بعد از آن کلمه علی راسها آمـده، یـا در روایت دیگر به قرینه «مسح» مشخص می‌شود که خمر برای سر به کار رفته است.

۳-۲. تبیین معنای «جیب»

معنای جیب به ادعای برخی از واژه‌شناسان به معنای شکاف است (فراهیدی، ۱۹۲/۶) و بیشتر آنان جیب را به یقه پیراهن معنا کرده‌انـد (ابـن فـارس، ۴۹۷/۱، طریحـی، ۲۸/۲، فیومی، ۱۱۵/۲). با توجه به این معنا، از میان سه احتمال مطرح شده یعنی «شـکاف سـینه زنان، شرمگاه و دو طرف لباس زنان» تنها معنای نخست صحیح به نظر می‌رسـد، چـرا کـه معنای دوم تأکیدی است بر عبارت «**یحفظهن من فروجهن**» و معنای سوم تأکیدی اسـت بـر عبارت «**لایبدین من زینـتهن**»؛ مضاف بر اینکه شواهد تاریخی نشان می‌دهند نـوع پوشـش زنان صدر اسلام به گونه‌ای بود که یک روسری به پشت موی خود می‌بسـتند و در نتیجـه گردن و موی سر و شکاف سینه آنان عریان می‌شد. از همین‌جا این احتمال تقویت می‌شود که عبارت «**وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ**» بر پوشش کامل این قسمت‌ها، دلالـت نمایـد. مؤیّد این برداشت، روایاتی است که در آن‌ها عبارت «خـرق جیـوب» در معنـای «گریبـان دریدن» به کار رفته است. به عنوان نمونه، در جریان جنگ احد در روایتی در توصیف حال زنان انصار که گمان کردند رسول خدا به شهادت رسیده است، چنین آمده است: «قد خرقن الجیوب» (کلینی، ۳۲۲/۸) در این عبارت «خرق جیب» به معنای گریبان پاره کردن به کـار

---

۱. صورتم را با روپوش پوشاندم.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.11.7]

رفته است. همچنین در روایت دیگری از امام صادق(ع) درباره گریبان چاک دادن در مرگ پدر پرسیده شد، حضرت فرمود: «لا باس بشق الجیوب» (مجلسی، ۱۰۶/۷۹) که قطعاً معنای جیب همان گریبان است.

۳-۳. بحثی درباره عبارت «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»

درباره عبارت «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» و اینکه مصادیق زینت کدام است؟ آقای کدیور مدعی است آیه فقط زینت‌های طبیعی را بیان می‌کند و ابداء زینت‌های الحاقی بلااشکال است، ثانیاً حکم ابداء درباره زینت‌های باطنی است، نه ظاهری و پوشاندن زینت‌های باطنی از نامحرم واجب است، در نتیجه معتقد است از آنجایی که موی سر و گردن و ساعد و پاها از زانو به پایین در آن زمان جزء زینت‌های ظاهری به حساب می‌آمده، پوشاندن آن‌ها واجب نیست.

اما ادعای وی درباره جواز ابداء زینت‌های الحاقی مخالف با ظهور آیه است چرا که در ادامه می‌فرماید «وَ لا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ ما يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ» که این قسمت در بیان مخالفت با ظهور خلخال‌هایی است که زنان به پاهایشان می‌بستند (طبرسی، ۲۱۸/۷) و قطعاً خلخال از جمله زینت‌های الحاقی است، ثانیاً برای حکم کردن در این باره باید مناط آیه را بررسی کنیم، یعنی شارع چه ملاکی را قرار داده تا حکم به ابداء وعدم ابداء بر آن بار گردد؟ اگر مناط شارع را جلوگیری از بروز فساد در جامعه بدانیم، بنابراین حکم زینت‌های طبیعی و عارضی یکی خواهد بود، چون زینت‌های عارضی هم قطعاً موجب بروز فساد در جامعه می‌شوند، مضاف بر اینکه آقای کدیور مدعی است زینت‌های عارضی در لسان قرآن تبرج نامیده می‌شوند، ولی جای این اشکال باقی است که اگر نسبت بین زینت و تبرج را عام و خاص مطلق بدانیم، می‌توان چنین نتیجه گرفت که هر تبرجی هم زینت است و حکم آن را دارد (مرتضی مطهری، ۴۷۹/۱۹).

اما در اینکه آیه زینت‌های ظاهری را شامل می‌شود یا نه، با توجه به ظهور آیه در

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.11.7]

استثناء الا ماظهر منها، زینت‌های ظاهری شامل این حکم نمی‌شوند و زنان مجاز بـه ابـداء زینت‌های ظاهری هستند، اما در خصوص محدوده زینت‌های ظاهر و بـاطن برخـی مثـل آقای کدیور بر این نظرند که استثناء در آیه به زمان نزول آیه بستگی دارد و از آنجایی کـه در صدر اسلام پوشاندن سر و گردن و دست‌ها از آرنج و پاها از زانو مرسوم نبـوده و ایـن قسمت‌ها ظاهر بوده پس مراد از استثناء این قسمت‌هاست.

این قول باطل است؛ چون لازمه اش این است که زینت در هر سه جا بـه یـک معنـا باشد. در توضیح باید گفت که زینت در آیه سه بار تکرار شده است که در هر سـه، معنـای متفاوتی دارد. بار اول حکم کلی بر عدم جواز ابداء زینت بیان و زینت‌هـای ظـاهری را از آن استثناء می‌کند و می‌فرماید: وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا. طبق آیـه از آنجـایی کـه زینت به زینت ظاهری مقید شده است، در نتیجه زینت‌های ظـاهری جـواز ابـداء دارنـد و زینت‌های باطنی باید پوشیده بمانند. در تعبیر دوم، برای آن که ایـن حکـم بـین محـارم و غیرمحارم اشتباه نشود، زینت را به صورت مطلق ذکر می‌کند وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُـولَتِهِنَّ و... که نشان می‌دهد زنان می‌توانند زینت‌های باطنی و ظاهری خود را به محارم مذکور در آیه نشان دهند، ولکن این نکته باقی است که هم چنان حکم اولیـه حفـظ فـروج از سـوی زنان و غض بصر از سوی مردان در آیه به قوت خود باقی اسـت و در تعبیـر سـوم، بـرای درک بهتر به ذکر مصداقی از زینت‌های باطنی می‌پردازد و به صراحت از ابداء زینـت‌هـای مخفی نهی می‌کند لِيُعْلَمَ ما يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ که مراد همان خلخال اسـت کـه زنـان بـه پـا می‌بستند. با این وجود، اگر آن‌طور که آقای کدیور مدعی است مراد از «**إِلَّا مَا ظَهَـرَ مِنْهَـا**» حکم به جواز ابداء ظواهر عرفی صدر اسلام باشد، لازمه‌اش این است که اولاً مراد آیـه از زینت در سه جا به درستی فهم نشود، ثانیاً ممکن است شخص سؤال کند بعد از جواز ابداء دست‌ها، پاها و موی سر و گردن به نامحرم پس آیه در فقره بعدی چه زینت‌هـایی را اراده کرده تا نشان دادن آن‌ها فقط به محارم صحیح باشد؟ اگر همان زینت‌های سابق اسـت کـه نیازی به ذکر دوباره نبود و اگر قسمت‌های بیشتری را اراده کرده که همان فروج و عـورات

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.11.7]

زنان است که قطعاً نباید به غیر از شوهر نشان داده شود، مضاف بـر اینکـه وی نمـی‌توانـد جواب قانع‌کننده‌ای بر فقره سوم آیه بدهد، چرا که لازمه‌اش تناقض در گفتار است. توضیح آنکه آقای کدیور مدعی است اعضایی که در زمان نزول جواز ابداء داشته، از زانو به پـایین بوده است، در حالی که آیه در این فقره به صراحت از ابداء زینت‌ها در پا نهـی مـی‌کنـد و مشخص است که دلالت زینت بر خلخال به دلالت التزامی محل را هـم در پـی دارد. پـس پوشاندن پاها طبق ظهور آیه باید مخفی بماند. اشکال دیگر اینکه گفته وی مستلزم تحصیل حاصل است، چرا که بنا به ادعای او تنها قسمت‌هایی که ابداء آن‌هـا جـایز نیسـت، همـان عورات زنان است که قطعاً آنان خود متوجه پوشاندن این قسمت‌ها بوده‌انـد و ایـن عجیـب است که زنان مسلمان در مدینه و مکه بعد از ۱۸ سال تبلیغ رسول اکرم هنوز بـه پوشـاندن فروج و عورات خود بی‌مبالات بوده‌اند! پس آیه قسمت‌های بیشتری از عرف آن زمـان را طلب می‌کند و این همان چیزی است که اکثر قریـب بـه اتفـاق مفسـرین از آیـه برداشـت کرده‌اند، مثل زمخشری در کشاف که می‌گوید: «زنان عرب معمولاً پیراهن‌هایی می‌پوشـیدند که گریبان‌هایشان باز بود، دور گردن و سینه را نمی‌پوشانید، روسری‌هایی هم که روی سـر خود می‌انداختند، از پشت سر می‌آویختند (همان طوری که الآن بین مردان عـرب متـداول است)، قهراً گوش‌ها و بناگوش‌ها و گوشواره‌ها و جلوی سینه و گردن نمایان مـی‌شـد. یـا سیوطی به نقل از سعید بن جبیر نقل می‌کند که قبل از اسـلام، زنـان خلخـال‌هـایی بـه پـا می‌کردند که دارای زنگوله بود و هنگامی که مرد نامحرمی از کنارشان عبور می‌کرد، عمـداً پاها را به زمین می‌زدند تا خلخال‌هایشان به صدا درآید (سیوطی، ۱۸۶/۶) و گاهی کـه دو خلخال به پا داشتند، هردو پا را به زمین می‌زدند تا خلخال‌هایشان نظـر نـامحرم را جلـب کند (زمخشری، ۶۲/۲-۶۳)

بنابراین آیه دستور می‌دهد قسمت آویخته همان روسری‌ها را از دو طرف روی سینه و گریبان خود بیفکنند تا قسمت‌های یاد شده پوشیده گردند، لذا ابـن عبـاس در تفسـیر آیـه

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.11.7]

می‌گوید: «تغطی شعرها و صدرها و ترائبها و سوالفها» (طبرسی، ۲۱۷/۷)[۱] و فیض کاشانی در تفسیر صافی همین معنا را از آیه برداشت کرده و می‌گوید: زنان باید گردن خود را با خمار می‌پوشاندند (فیض کاشانی، ۴۳۰/۳).

۳-٤. بررسی شواهد تاریخی

برخلاف ادعای کدیور، بررسی شواهد تاریخی نشان می‌دهد زنان در عصرجاهلیت نیز اصل اولیه را بر پوشش قرار داده بودند؛ از جمله این شواهد می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۳-٤-۱. طواف قبل از اسلام

بعد از هزیمت سپاه ابرهه ثروتمندان مکه از این فرصت استفاده نموده و این پیروزی را نشان دهنده عظمت خود برشمردند از این رو به همه کسانی که به جهت زیارت و طواف کعبه می‌آمدند لباس عاریه می‌دادند و در ازاء آن پول و یا لباس افراد را می‌ستاندند، از این میان افرادی که ثروتمند بودند با پرداخت مبلغی لباس عاریه می‌گرفتند و افراد بی بضاعت هم به صورت عریان به طواف مشغول می‌شدند (ابن‌هشام، ۱۸۴/۱، جوادعلی، ۳۶۱/۱۱) نکته جالب آنکه کسی که قادر بود به واسطه دوست یا خویشاوند لباسی از اهل مکه بگیرد دیگر لزومی نداشت برهنه طواف کند (ابن‌هشام ۱۸۱/۱ تا ۱۸۸، ازرقی، ۱/۱۴۱تا ۱۴۵) زنانی که قادر نبودند لباس تهیه کنند شبانه به طواف می‌رفتند تا از چشم نامحرمان مصون بمانند (همانجا).

توجه به این نکات نشان می‌دهد طواف عریان در عصر جاهلیت نه تنها عمومیت نداشته بلکه با آداب و فرهنگ مردم آن زمان نیز تنافی داشته است؛ در این باره می‌توان به داستان طواف ضباعه بنت عامر نیز اشاره کرد[۲]که هنگام طواف عریان به حول کعبه این اشعار را زمزمه می‌کرد: «الیوم یبدوا بعضه او کله ومابدا منه فلا احله»[۳] (ازرقی،

---

۱. یعنی زنان بعد از نزول آیه بایستی موی سر و سینه و زیر و روی گردن را بپوشانند

۲. نک: ابن حجر عسقلانی، ۲۲۱/۸.

۳. امروز از اندام و شرمگاه من بعض یا تمام آن آشکار می‌شود آنچه آشکار شود را بر کسی حلال نمی‌کنم .

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.11.7]

۱۴۲/۱) که نشان می‌دهد طواف عریان برخلاف هنجارهای زمان جاهلیت بوده است.

۳-٤-۲. البسه مورد استفاده در عصر جاهلیت

برخلاف ادعای کدیور زنان در عصر جاهلیت از لباس‌های دوخته شده و با پوشش کاملی که حتی موی سر و صورت را می‌پوشاند استفاده می‌کردند؛ از جمله دلائل این مدعی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۳-۴-۲-۱. مهلهل از شعراء جاهلیت در توصیف زنان یکی از قبائل عرب که مردانشان کشته شده بودند می‌گوید: «**وتقوم ربات الخدور حواسرا یمسحن عرض تمائم الایتام**»[۱] (مهلهل، ۷۸) شاهد مثال در این شعر واژه «خدور» است که به هروسیله ای که با آن پنهان شوند گویند (فیومی، ۱۶۵/۱) از این رو به چادری که برای کنیز در گوشه ای از منزل نصب می‌کنند نیز اطلاق می‌شود (فراهیدی، ۲۲۸/۴)؛ در این شعر به صراحت پوشش موی سر برای زنان اثبات می‌شود.

۳-۴-۲-۲. ربیع بن زیاد شاعر عصر جاهلیت عزاداری زنان در مرگ مالم بن زهیر را چنین توصیف می‌کند:

«**قد کن یخبان الوجوه تسترا والیوم حین بدون للنظار**»[۲] (ابی تمام، ۱۸۰) براساس این شعر زنان حتی چهره خود را نیز می‌پوشاندند به طوری که رویت شدن چهره زنان در مصیبت‌ها، برای مردان امری تازه به شمار می‌رفت.

نتایج مقاله

در این مقاله تلاش شد تا ضمن تشریح دیدگاه آقای کدیور در مسئله حجاب و نقد ادله وی به بررسی واژگان در آیات حجاب و بازخوانی سیره تاریخی پرداخته شود؛ نتایجی که از این تحقیق به دست آمده بیانگر آن است که مجموعه آیات قرآن بر پوشش حداکثری

---

۱. زنان سرپوشیده پوشش از سر برداشتند و بر موهای یتیمان دست می‌کشیدند.

۲. زنانی که قبلا صورت خودرا می‌پوشانیدند امروز از شدت جزع در برابر دید همگان آشکار شده‌اند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.11.7]

زنان دلالت دارد و ادله آقای کدیور در خصوص حجاب حداقلی با دیدگاه واژه شناسان و سیره تاریخی پوشش زنان در عصر جاهلیت و پس از ظهور اسلام همخوانی نداشته بلکه تایید کننده حجاب حداکثری است. ازآنجا که این نوشتار در حوزه مسائل کلام اسلامی نگاشته شده است و با توجه به گستردگی مباحث فقهی دیدگاه آقای کدیور در مسئله حجاب، پیشنهاد می‌شود تا پژوهش‌هایی در این موضوع با رویکرد فقهی انجام پذیرد شایان ذکر است با توجه به اینکه دیدگاه نهایی آقای کدیور در خصوص مسئله حجاب سال‌هاست که تکمیل نشده است انتظار می‌رود تا با تکمیل نظریه وی، پژوهش‌های جدیدی در این زمینه انجام گیرد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.11.7]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم

۲. ابن طیفور، احمد بن أبی طاهر، بلاغات النساء – قم، چاپ: اول، بی‌تا.

۳. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام هارون، ج ۱،۲،۳ قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ق

۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان‌العرب، ۱۵جلد، دار صادر–بیروت، چاپ: سوم، ۱۴۱۴ ه.ق.

۵. ابوحیان، اندلسی محمد بن یوسف، التفسیر الکبیر المسمی بالبحر المحیط، بیروت– داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۱ق.

۶. ابوداوود سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داوود، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، بیروت، المکتبة العصریة، ۱۴۱۹ ق.

۷. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح‌المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.

۸. بخاری، محمدبن اسماعیل، الجامع المسند الصحیح المختصر من امور رسول الله و سننه و ایامه، تحقیق محمدزهیر بن ناصرالناصر، بی‌جا، دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ ق.

۹. ثعلبی، احمد بن محمد، الکشف و البیان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲.

۱۰. جفری، آرتور، واژه‌های دخیل در قرآن مجید، ۱ جلد، توس، ایران، تهران، چاپ: ۲، ۱۳۸۵.

۱۱. جمال البناء، الحجاب، قاهره، دارالفکر اسلامی، ۱۴۲۳ ق.

۱۲. جوادی آملی عبدالله، کتاب الصلاة تقریرات درس آیة الله محقق داماد، قم، اسراء، ۱۴۰۵ق.

۱۳. همو، تفسیر سوره احزاب، قم، اسراء، ۱۳۹۰.

۱۴. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، ۶ جلد، دارالعلم اللملایین، بیروت، چاپ: اول، ۱۳۷۶ ه.ق.

۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ ق.

۱۶. دزی رینهارت، فرهنگ البسه مسلمانان، ترجمه حسینعلی هروی، بی‌جا، نشر کتاب، ۱۳۵۹.

۱۷. رازی، ابوالفتوح، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۱–۱۳۷۵.

۱۸. رازی، محمد بن عمر، تفسیر مفاتیح الغیب، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۵.

۱۹. زبیدی، مرتضی محمد بن محمد، تاج‌العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالهدایة، ۱۳۸۵ ق.

۲۰. زمخشری، جارالله محمود، الکشاف عن الحقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التاویل، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ ق.

۲۱. سبزواری، عبدالاعلی، مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام دفتر آیة‌الله سبزواری، قم مؤسسه المنار، ۱۴۱۳–۱۴۱۶.

۲۲. سیدرضی، محمدبن حسین، نهج‌البلاغه، بی‌تا.

۲۳. سیفی، مازندرانی علی‌اکبر، دلیل تحریر الوسیله تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی‌تا.

۲۴. سیوطی، عبدالرحمن، الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.11.7]

۲۵. شهیدی، سیدجعفر، «حجاب در قرآن» پژوهش‌های قرآنی علوم قرآن و حدیث (۲۵-۲۶): ۷۴-۸۱، ۱۳۸۰.
۲۶. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة قم: فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۶.
۲۷. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، ۱۳۹۰.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان لعلوم القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۲۹. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، عمان، دار الاعلام، ۱۴۲۳.
۳۰. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ۶ جلد تهران مرتضوی، ۱۳۷۵.
۳۱. طنطاوی، محمدسید، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، قاهره: النهضة مصر، ۱۹۸۸.
۳۲. طوسی، محمد بن الحسن، التبیان فی تفسیر القرآن ، بیروت، ۱۴۰۹.
۳۳. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، مکتبة العلمیة الاسلامیة، ایران، تهران، چاپ ۱، ۱۳۸۰ هـ‍ق.
۳۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، تحقیق مهدی مخزومی، تهران، اسوه، ۱۳۸۳.
۳۵. فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، قم، دارالهجرة، ۱۴۱۴ ق.
۳۶. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، ۵ جلد، مکتبهٔ الصدر-ایران-تهران، چاپ ۲، ۱۴۱۵ ق.
۳۷. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن- بیروت دار احیاء تراث العربی، ۱۴۰۵.
۳۸. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۳.
۳۹. کدیور، محسن، تأملی در مسأله حجاب، لندن، انگلستان، ۱۳۹۱.
۴۰. کلینی محمدبن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۴۱. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط- بیروت)- بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.
۴۲. محمد ابوالفضل، ابراهیم، دیوان امرءالقیس، قاهره، بی‌تا، ج ۴.
۴۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار ۳۰ جلد، صدرا- تهران- ایران، چاپ: ۷، ۱۳۸۴هـ
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیهٔ، ۱۳۷۴.
۴۵. منبع اینترنتی: www.kadivar.com.
۴۶. نجفی، سید حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام،دار احیاء تراث العربی، بیروت، لبنان۴۳ جلد.
۴۷. نحاس، احمد بن محمد، اعراب القرآن (نحاس)، ۵ جلد، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، لبنان، بیروت، چاپ ۱، ۱۴۲۱ ق.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.11.7]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.11.7]
[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.11.7]
[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]